

طرح پیشنهادی راهبرد جامع تنظیم مناسبات روحانیت

تعریف اصطلاحات

طرح پیشنهادی: سندی مختصر که ایده‌ای را پیش از تصویب به صورت خلاصه توصیف می‌کند.

راهبرد: اصول حاکم بر رفتارهای سازمان یا فعالیت‌های پروژه که از نسبت میان اهداف آرمانی با واقعیت‌های عینی حاصل شده، حفظ جهت سازمان یا پروژه را در مسیر دستیابی به آن اهداف تضمین می‌نماید.

مناسبات: تأثیرات یک نهاد در محیط پیرامون و تأثرات ناشی از ارتباط با محیط و نظامات اجتماعی؛ نظام سیاسی، نظام فرهنگی و نظام اقتصادی.

تنظیم: نظم‌بخشی، ساماندهی و هماهنگ‌سازی فعالیت اجزا و عناصر درونی، به نحوی که سازمان یا پروژه را قادر به حرکت در راستای اهداف مطلوب نماید.

جامع: غیربخشی و منحصر نشده در پاره‌ای از عناصر سازمان یا پروژه. سندی که تمامی حصّه‌ها را در بر گیرد.

روحانیت: [در این جا] نهادی اجتماعی متشکل از متخصصین در فهم منابع دینی و مذهبی که منحصراً از طریق آموزش در حوزه‌های علمیه و در ذیل توجّهات فقه‌های عظام شیعه به کسوت روحانی ملبّس شده و یا در این مسیر در حال تحصیل علم و تقوا باشند.

ضرورت طرح

روحانیت بمتابه یک نظام یکپارچه و متشکل از عناصر فرهیخته، دانشمند و متدین که گاهی با عنوان «سازمان روحانیت» یا «حوزه‌های علمیه» از آن یاد می‌شود، بیش از هزار سال است پاسدار شریعت اسلام و قوانین کامله آن در ظلّ توجّهات و تأییدات حضرات معصومین (ع) می‌باشد.

با گسترش مکتب تشیع و انتشار آن در اقصی نقاط جهان و افزایش تعداد حوزه‌های علمیه، طلاب علوم دینیه و روحانیون از یک سو و پیچیده شدن تعاملات اجتماعی نهادها و نظامات، با پیدایش شیوه‌های مدرن و فرامردن در مدیریت جوامع از سوی دیگر، تدبیر برای ساماندهی دقیق‌تر این نهاد اجتماعی ضرورت یافت.

روزی اگر یک فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط به سادگی می‌توانست تک به تک، تمامی شاگردان خویش را بشناسد، مشکلاتشان را درک نماید و برای رفع کاستی‌های علمی و اخلاقی آنان اقدام کند، امروزه با افزایش حجم فعالیت‌ها و گسترده شدن مناطق مرتبط، با استفاده از رسانه‌های نوین و زیاد شدن مراجعین و شاگردان، همان فقیه و مجتهد قادر به مدیریت کامل و کافی نیست و قطعاً نیاز به ابزارهایی دارد که این امر را برای وی آسان و سهل نمایند؛ ابزارهایی اجتماعی که با سایر نظامات موجود سازگار باشند.

هدف از طرح

این طرح مسیری را ترسیم می‌نماید که با طی نمودن آن می‌توان به «راهبردی جامع» دست یافت. راهبردی متشکل از اصولی مستحکم و متقن که از یک سو برگرفته از چشم‌انداز حوزه و روحانیت بوده و اهداف آرمانی آن را

مطمح نظر دارد و از سوی دیگر، پذیرنده واقعیات اجتماعی، ظرفیت‌ها را شناخته و متناسب با تحمل نظام اجتماعی موجود راه نماید.

بنابراین این طرح خود بیانگر اصول راهبردی نخواهد بود، بلکه رهیافتی برای دستیابی به چنان سند جامعی‌ست.

گستره طرح

این راهبرد جامع باید بتواند تمام بخش‌های نظام روحانیت را پوشش داده، نقش همه عناصر و اجزاء را ببیند و مناسبات و تعاملات این نظام با سایر نظامات اجتماعی را ملاحظه نموده و این ارتباطات را متناسب با نیازهای موجود سامان دهد.

قلمرو طرح در حال حاضر جامعه روحانیت فعال در کشور، یا روحانیون برخاسته از حوزه‌های علمیه داخل کشور، ولو فعال در سایر کشورهای جهان می‌باشد.

پیش‌فرض‌ها

بی‌شک مبانی اعتقادی و نظری شیعه بر طرح حاضر سایه می‌اندازد و آنچه باورهای ایمانی ماست، مضاف به فرهنگ و سنت‌های پذیرفته شده در حوزه‌های علمیه، نقشی غیرقابل اغماض در معماری سند راهبرد جامع بر عهده خواهد داشت. فهرست نمودن این پیش‌فرض‌ها، تفاهم بر سر راهبردها را تسهیل خواهد نمود.

۱. روحانیت یک نظام دینی و مکتبی‌ست و صرفاً وامدار دین و شریعت بوده، نمی‌تواند در صورت مواجهه با انحراف یک نظام سیاسی، فرهنگی و یا اقتصادی با آن کنار آمده، از اصول شریعت دست بردارد. از این رو، استقلال ماهوی از هر نظام سیاسی داشته، فرادولتی و فراحاکمیتی عمل می‌نماید.

۲. رفتارها و عملکردها در روحانیت بر اساس «تکلیف» شکل می‌گیرد و تکلیف از فقه و به واسطه «حجّیت» موجودیت یافته، کمتر مغلوب «الزامات اجتماعی» می‌گردد.

۳. استقامت در برابر مخالفت‌ها و مقاومت در مقابل زور و قیام علیه ظلم، سیره تاریخی روحانیت است و هر گاه حفظ مکتب متوقف بر حمایت از یک نظام سیاسی تلقی شده، از ارائه هر خدمت و تبرّز هر تشویق و تمجیدی دریغ ننموده است.

۴. تعریف آحاد جامعه شیعی از روحانی خوب، فردی‌ست که پای عهد خود با دین و مکتب بایستد و در مقابل انحرافات و آسیب‌ها مقاومت نماید، برای دنیای خود کیسه ندوزد و دین‌فروشی نکند. اگر تخلّقی از احکام شرعی ملاحظه کرد سکوت ننموده و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح ندهد.

۵. در سنوات گذشته، روحانیت به سه طبقه «محقق، مدرّس و مبلّغ» تقسیم می‌گشت که در سال‌های اخیر «روحانی مسئول» نیز به این طبقات افزوده شده است. کارکرد هر طبقه از روحانیون با گروه دیگر متفاوت است و هر یک کارویژه‌های خاص خود را دارند.

۶. تمامی گروه‌ها و طبقات روحانیون حجّیت خود و استناد رفتار و گفتارشان به دین را از «اجتهاد» و «مرجعیت» اخذ می‌نمایند و این مطلب، جایگاه ویژه‌ای در اختیار فقه‌های جامع‌الشرایط قرار داده، علم فقه را برترین رشته حوزوی ساخته است. چنان‌که تاریخ نشان داده، گاهی که اختلافی میان فیلسوف یا عارفی با یک فقیه رخ داده، آن‌که منزوی شده فیلسوف یا عارف بوده، مردم دین‌شان را بر نظر فقیه تراز نموده‌اند.

۷. سابقه طولانی ارتباط روحانیون با بستر جامعه و خدمات فراوانی که به جامعه عرضه داشته‌اند، فضایی را فراهم نموده که مردم به خوبی می‌توانند خدمتگزاران خود را بشناسند و خوبان را از بدان متمایز نمایند. خدمات روحانیت به جامعه را در چهار سرفصل: ① صیانت از کیان مسلمین، ② حفظ میراث علمی، ③ ترویج باورهای اسلامی و ④ رفع مشکلات مردم، می‌توان دسته‌بندی کرد.

نهاده مرجعیت

صیانت از کيان مسلمانان

- اعلام جهاد دفاعی • در صورت تهجم نظامی
- حفظ وحدت درونی شیعه • ارتباط با سایر مراجع
- وحدت مسلمین: تقریب شیعه و سنی • ارتباط با علمای سایر مذاهب
- تحریم کالاهای برای نفی سبیل کفار • در صورت تهجم اقتصادی
- تنفیذ حکام و دولت‌ها: حفظ امنیت ملی

حفظ میراث علمی

- پاسخ به شبهات و ردع بدعت‌ها • کتبی
- شفاهی
- عقاید و کلام
- تربیت مراجع نسل بعد • فقه و حدیث
- تفسیر
- اخلاق اسلامی
- ارتقاء فهم شیعه از متون وحیانی • مطالعه و پژوهش و نوآوری
- اعتقادی
- پاسخ به استفتائات • احکام شرعی
- برخورد قاطع با فرق ضاله • در صورت تهجم فرهنگی

ترویج باورهای اسلامی

- تبلیغ دینی • تربیت مبلغ دینی
- ترویج ارزش‌های اسلامی
- عمل به سنت‌های نبوی ص
- ترویج عملی ارزش‌ها • عمل به سیره اهل بیت ع
- استمرار رفتاری بر اخلاق اسلامی
- اهتمام به مراسم مذهبی • ماه مبارک
- ماه محرم
- ایجاد و شهادت
- هزینه وجوهای شرعی
- عمران اماکن مذهبی • مساجد
- تکایا و حسینیه‌ها
- مدارس علمیه
- حمایت از روحانیون • مالی و اقتصادی
- سیاسی و آبرویی

رفع مشکلات مردم

- قضاوت عادلانه • رفع اختلافات روزمره مردم
- اجرای عقود و ایقاعات • ازدواج و طلاق
- بیع و اجاره و مضاربه و غیره
- ولادات
- وفیات
- ثبت وصایا و شهادت بر آن • وصایا
- وکالت در امور شرعی
- کفالت و ضمانت
- امامت جمعه و جماعات
- امور اموات • نظارت بر کفن و دفن
- صلوة میت
- نظارت بر ذبح شرعی
- ازدواج
- رفع اختلافات زوجین
- تکفل ایتام
- وقف و نذورات
- شفاعت مردم نزد حکام • تادیب حقوق ضعیف
- سفارش نامه به مسئولین
- هزینه وجوهای شرعی
- توسعه رفاه اجتماعی • بیمارستان
- مدرسه
- دستگیری از فقر! و مساکین • هزینه وجوهای شرعی
- مشاوره
- راهنمایی روزمره مردم • استخاره
- تعبیر خواب

۸. روحانیت شیعه با ابتناء هزینه‌های خود بر وجوهات مردمی؛ خمس، زکات واجب و مستحب، کفارات و نذورات، از یک سو توانسته ارتباط تنگاتنگ خود با مردم را حفظ نماید و از سوی دیگر، نسبت به مسامحه با دولت‌ها و نظامات حاکمیتی، تعهدی ایجاد ننماید. مردم هنگامی که برای امری هزینه می‌کنند، آن امر برای ایشان جایگاهی والاتر و ارزشی فراتر می‌یابد، نسبت به اموری که به رایگان در اختیارشان قرار می‌گیرد.

۹. روحانیت در تاریخ پرافتخار خویش، با قناعت و زهد و مراعات سبکی از زندگی که به «زی طلبگی» مشهور شده است، توانسته بی‌نیازی مادی خود به «وجوهات مردمی» را کنترل نماید و دست‌گذاری دراز نکرده، خود را اسیر مطامع و نیازها و خواسته‌های دنیوی انسان‌ها ننماید و در منبر آن‌چه را بگوید که رضایت خدا در آن است و نه رضایت خلق.

۱۰. پروردگار انسان را «مختار» آفریده است، یعنی صاحب قوه و توانی که تحت هر شرایطی می‌تواند خلاف آن‌چه به او تحمیل می‌شود عمل نماید و در مسیری متفاوت با موج اجتماعی رفتار کند. انسان به حسب قوه اختیار خود قادر است در مقابل اجبارها بایستد و در برابر فشارها مقاومت نماید.

۱۱. روحانی تکلیف‌محور چون انسان است و مختار، تا به استدلال و حجت قانع نشود به عملی دست نمی‌زند و یا از عملی که بدان مشغول است دست بر نمی‌دارد. هر تغییری در رفتار وی به دلایلی که آورده می‌شود وابسته است و استدلالاتی که وی را متقاعد می‌سازد.

۱۲. مدارج و رتبه‌های علمی در حوزه‌ها قابل کنترل، اجبار و اعمال دولتی نیست و اساساً خاصیت علم این است که خود را به محک قدرت و ثروت نمی‌سنجد و جز با کارآمدی ارزیابی نمی‌گردد. دانشی را که قدرت بگوید «هست» اگر «کارآمد» نباشد، مردم نمی‌پذیرند و اگر قدرت بگوید «نیست»، اما بتواند تأثیر بگذارد و «کارآمدی» نشان بدهد، مردم گرد آن جمع می‌شوند. یک نظام علمی، تنها خودش می‌تواند ارزیاب توانمندی خویش باشد و عناصر و اجزای خود را محک بزند.

۱۳. هر نهاد علمی نیازمند و محتاج آزاداندیشی است. آزادی علمی مسیری را در جان حوزه پدید می‌آورد که ایده‌ها و نوآوری‌ها همچون خونی تازه در رگ‌های آن جریان یابد و بر توانمندی علمی بیافزاید. روحانیت دانش امروز خود را محتاج سده‌ها آزاداندیشی است. اگر راه تنفس حوزه و جریان یافتن هوای تازه در آن بسته شود، به هر ابزاری که باشد، جریان‌های تازه‌ای در بطن حوزه شکل خواهند گرفت که با قدرت جوانی و تازه‌نفسی خود، پوسته بی‌مغز قبلی را شکافته سر بر خواهند آورد. امثال ابن ادریس حلی و وحید بهبهانی از این دست جریان‌سازان حوزوی بوده‌اند.

۱۴. در پس هر عنصری در «ملک» وجودی «ملکوتی» قرار دارد و هر آن‌چه که ما به «شهود» می‌بینیم، «غیبی» در ورای آن پنهان است. نادیدن ملکوت نباید سبب اکتفا به ناسوت و غفلت از قدرت‌های غیبی شود. روحانیون پاک‌سرشت، با ایمانی که به غیب دارند، از معادله و فرمولی در رفتار خود بهره می‌برند که سبب برکت اعمال و رفتارشان می‌شود. عملی که با ایمان صادر شود، صدچندان مصیبت‌تر و مؤثرتر از رفتاری است که مادی‌گرایانه، با دنیاپرستی، متکی به فرمول‌های صرفاً دنیوی و از روی غفلت نسبت به نصرت الهی صورت می‌پذیرد. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ» ناظر به همین معناست.

۱۵. نظام مکتبی جمهوری اسلامی مبنائاً با روحانیت گره خورده و در هر ساحتی از نظامات اجتماعی آن روحانی یا نماینده‌ای از روحانیت مستقر شده است. این گستره از حضور، نه لزوماً به معنای افزایش قدرت حوزه‌های علمیه، اما حتماً به معنای اقتدار آحاد افراد روحانی در تغییر تصمیمات نظام اسلامی هست. امروز روحانیت در بسیاری از تصمیمات کلی و جزئی نظام حاضر بوده و سهم دارد.

۱۶. لباسی که پوشنده آن چنین اعتبار اجتماعی بالایی و چنان توان شگرفی در اعمال تصمیمات سیاسی و فرهنگی کسب می‌نماید، یقیناً مطمع نظر دشمنان نظام قرار می‌گیرد و غیرممکن است بتوان پذیرفت که استکبار نسبت به غضب این لباس کوتاهی و سهل‌انگاری نمایند. احتمال نفوذ به روحانیت کم نبوده، نیست و نخواهد بود، به هدف تخریب، تغییر مسیر، تغییر تصمیمات و انحراف جریان اجتماعی نظام. تاریخ گواه

چنین فریب‌هایی بوده است؛ افرادی که به حسب ظاهر برای ادای دیون شرعی به مرحوم آخوند و سیدیزدی مراجعه می‌کردند و آن دو را در جریان اطلاعات غلطی از مشروطه و اوضاع داخلی کشور قرار می‌دادند. دو محمداکظم روبه‌روی هم قرار گرفتند و آن شد که در تاریخ معاصر نقل کردند. یا محدث نوری که به ندبه طلبه‌ای کتابی در «تحریف مصحف» نگاشت و بعد همان طلبه را در سفارت انگلیس در عراق مشاهده کرد که دانست جاسوسی بیش نبوده!

۱۷. از مختصات نهاد مرجعیت، تجاری‌ست که بمثابه سنتی بر سبک مدیریت آن سایه انداخته و بدون تخطی همچنان دنبال می‌شود؛ مدیریت بیت توسط فرزندان و اقوام نزدیک. امری که مبتنی بر اعتماد درون خانواده، نهادی قابل اعتماد برای مرجع تقلید و مجتهد جامع‌الشرایط می‌سازد.

۱۸. تا پیش از تأسیس جمهوری اسلامی ایران به دست یک فقیه فیلسوف عارف، رویکرد فقهی بر نگرش‌های فلسفی و عرفانی در حوزه‌های علمیه سخت می‌گرفت و فضا را برای فعالیت آنان تنگ می‌کرد. اگر چه امروزه تعارضات میان این سه نگرش چندان بروز و ظهور ندارد، اما در ورای آنچه دیده می‌شود، همچنان فقه نسبت به فلسفه و عرفان رویکرد مثبتی ندارد و مبنائاً نمی‌تواند برداشت‌های آن‌ها از منابع و حیانی را حجت تلقی نماید.



۱۹. جامعه‌ای که تاریخ مطوّل از فعالیت نهاد روحانیت دارد، طبیعی‌ست نهادهای همکار و متناظری با آن طراحی نموده باشد. پاره‌ای از این نهادها همچنان پر قدرت در عرصه فرهنگ حضور دارند و می‌درخشند. ۱ هیئت امنای مساجد، حسینیه‌ها و تکایا از یک‌سو، ۲ اسلام‌شناسان و مبلغین دینی غیرروحانی (مکلاً؛ مرد یا زن، از سوی دیگر و ۳ در این میانه، گروهی از مدعیان مرتبط با عالم غیب، معروف به دعانویسان و رمالان. هر سه این گروه‌ها در تعامل یا رقابت تنگاتنگ با روحانیت، گاهی چالش آفریده و گاهی منشأ برکات و هدایت‌هایی شده‌اند. طراحی سازوکار تعامل هدایت‌گرانه روحانیت با جامعه، بدون

ملاحظه قدرت این سه طایفه و محاسبه میزان نفوذ آنان، ناقص و کم‌اثر به نظر می‌رسد.

۲۰. نهاد مرجعیت بر اساس سنت مدیریت مبتنی بر «بیت»، پس از حلقه «خویشان» و سپس «شاگردان خاص»، از طریق «علمای متنفذ» و «کارمندان دفتر» با شبکه گسترده‌ای از روحانیون و طلبه‌های مبلغی مرتبط است که در اقصی نقاط کشور در تردد بوده، به صورت شبکه‌ای ارتباط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی «بیت» را با بدنه جامعه برقرار نگه می‌دارند.

۲۱. روحانیت از آن رو که متولی حفظ و حراست از مکتب و شریعت بوده است، نسبت به هر تغییری ابتداءً مقاومت نموده و جانب احتیاط را نگه می‌داشته است. نوعی محافظه‌کاری نهادینه شده در رأس هرم نظام روحانیت که هر تازه‌ای را در بوته شک و تردید قرار داده و تا نرسیدن به حجیت، بی‌گدار برائت جاری نمی‌سازد. در موضوعات مستحدثه وارده از بلاد کفر خصوصاً، از باب احتمال گشوده شدن سیل کفار، بیشتر مراقبت می‌نموده. شاید حرمت مقطعی دستگاه‌های بلندگو یا تماس تصویری تلفن همراه، از این باب قابل تحلیل باشد. نسبت به «نواندیشی» نیز این محافظه‌کاری با «آزاداندیشی» مورد نیاز برای پیشرفت حوزه بمثابه یک نهاد علمی تقابل نموده، به تعادل می‌رسد؛ نوآوری همراه با اهتمام به حفظ میراث علمی.

روحانیت با عدیدی از نظامات اجتماعی در تعامل شدید و پیوسته است. تنگاتنگ به نظام خانواده به عنوان سلول جامعه متصل گشته، از طریق مسجد گروه‌های اجتماعی را متشکل می‌سازد. بازار و بنگاه‌های اقتصادی را به وجوهات واجبه مکلف ساخته، در امور خیر به مستحبات ترغیب می‌نماید. در فرادست نیز، ارتباطی وثیق با حاکمیت دارد و اوامر و نواهی حکومتی را مشروعیت می‌بخشد. چنین نهادی را نمی‌توان «فرادستی» و به شیوه «بیرونی» هدایت نمود. هر نظارت و کنترلی تنها و تنها به صورت «درونی» قابل طراحی و پیاده‌سازی است.

سندهای روشنگر

تنظیم مناسبات روحانیت با سایر ارکان نظام اجتماعی نیازمند اسنادی روشنگر است. سندهایی که سنگ‌های تردید و ابهام را واکنند و دیوارهای سوء تفاهم را برچینند. اگر معیار و شاخص و تراز «خوب» و «بد» روشن گردد، گرفتن گریبان خطاکار کسی را نمی‌رنجاند و تشویق خواص اهل حق و اعطای درجات و مقامات اجتماعی به نیکان، شائبه «بده‌بستان سیاسی» بر نمی‌انگیزد و اعتبار اجتماعی فضلا را مخدوش نمی‌نماید.

نخستین سند مورد نیاز یک «سند راهبرد جامع» می‌باشد. سندی فرادستی که خود شامل بخش‌های ذیل است: راهبردهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، جهانی، امنیتی، ارتباطی، تبلیغی، پژوهشی، فن‌آوری و آموزشی.

دومین سندی که برای ساماندهی ارتباطات روحانیت مورد نیاز است، سندی است که تمامی کارکردهای حوزه را ترسیم کند، طرف هر کارکرد را تعیین نماید و مناسبات متناسب با هر کارکرد را فهرست شده در اختیار گذارد. کارویژه‌هایی در این سند گرد می‌آیند که خدمات روحانیت به سایر نظام‌ها و نهادهای اجتماعی را محقق می‌سازند.

ریسک‌ها و مخاطرات پیش‌روی کارویژه‌های روحانیت نیز بایستی در سندی مستقل نگارش یابد. آسیب‌هایی که متوجه هر تعامل است و می‌تواند خدمات مورد نظر را مخدوش و ناکارآمد نماید.

براساس مخاطراتی که تجمیع شده، سندی نگارش می‌یابد که خطوط قرمز را ترسیم می‌کند؛ کاملاً شفاف و جرم‌انگاری شده. اگر روحانیت نباید با کلام و رفتار خود «امنیت ملی» را به مخاطره افکند، مصادیق این خط قرمز باید دقیقاً روشن شود؛ یا با توصیف مصداق به مصداق، یا با تعیین شورایی حقوقی درون حوزه که تطبیق کلی بر جزئی و تشخیص مصداق بر عهده آنان باشد.

طبیعتاً نهادهایی که مسئولیت حراست و حفظ امنیت روحانیت را بر عهده دارند بایستی با یکدیگر در تعاملی سازنده باشند. به سندی مستقل نیاز است تا تعامل نظام‌مند این نهادها را توصیف و قانونی کند. این سند تقسیم کاری فنی و محاسبه‌شده را مبنای تعریف شرح وظایف نهادهای مزبور می‌نماید.

نظام اسلامی در سطوح مختلف تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و هدایت خود محتاج روحانیت است. سندی لازم است تا تمامی مسئولیت‌های نیازمند به تصدی‌گری فرد روحانی را تعریف کند، تخصص‌های مورد نیاز و سوابق و تجربیات را بیان کرده، قانونی نماید. این سند همچنین باید مسئولیت‌های خاصی را که روحانیت نباید متصدی شود فهرست کند و سایر منصب‌هایی که بود و نبود روحانی در آن‌ها تفاوتی ندارد و گذارد.

روحانیت به سندی نیاز دارد که ارتباطی قاعده‌مند با رسانه‌ها تعریف نماید. برای بخش‌های مختلف حوزه سخنگوی رسمی معین کرده، بار حقوقی گویه‌ها را بر عهده افرادی خاص نهاد. مردم خواهند دانست که نظر صریح مراجع را از کدام مسیر و نظر رسمی شورای عالی را از زبان کدام مسئول بشنوند. تشتت‌ها برطرف شده، سوء تفاهمات کاهش خواهد یافت و پی‌گیری خطاها تسهیل می‌شود.

نظام آموزشی حوزه رتبه‌بندی دارد، اساتید و فضلا و مسئولین حوزه نیز. نظام پژوهشی، تبلیغی و تمامی مؤسسات تابعه روحانیت بایستی طبقه‌بندی و امتیازبندی شوند. مردمی که قرار است خدمات از روحانیت دریافت دارند، باید بدانند اگر به این فرد «حجة الاسلام و المسلمین» گفته می‌شود چه برتری‌های دانشی، مهارتی یا تجربی بر دیگری که فقط «حجة الاسلام» است دارد. سندی لازم است تا توصیفگر تمامی این رتبه‌ها باشد. مأموریت هر مؤسسه باید کاملاً روشن باشد و بر اساس سند مذکور قلمرو فعالیت آن در دایره تخصص متولیانش محدود گردد، تا هر گروهی به هر کاری مبادرت نرزد و هر تشکلی اگر در ورای دانش خود اقدامی نمود، قابل پی‌گیری قضایی باشد.

درونی بودن نظارت و کنترل روحانیت این‌طور محقق می‌شود که تمامی سندهای فوق به تأیید بزرگان حوزه می‌رسد. برای این منظور بایستی جلسات متعدد برگزار شود، رایزنی‌ها شود، نظرات اعمال شود، تا اتفاق حاصل گردد. این اتفاق هر چه که باشد نیکوست، حتی اگر از انتظار ما بسیار دور. مصیبتی که از فقدان ضابطه بر ما وارد می‌شود بسیار شدیدتر از آسیب‌های ناشی از در حدّ ایده‌آل نبودن ضوابط است.

به تفاوت‌های جنگ نرم و سخت لازم است اشراف داشته باشیم. باید بدانیم زمین بازی عوض شده و امروزه دشمن به تمام میدان عملکرد ما مشرف است. فضای مجازی و حقیقی به هم آمیخته، آن‌چه دیروز با پوشش‌های محرمانه قابل حراست از نظرگاه کفار بود، آن‌چنان رو شده که قابل کتمان نیست. زمینی که پیش از این مملوّ از تپه و کوه و کمر بود، جایی که به سادگی خاکریز می‌زدیم و نیروهایمان پشت موانع طبیعی و مصنوعی سنگر می‌گرفتند، ناگهان آن‌چنان صاف و صیقلی شده، همچون دشتی بدون عوارض طبیعی، هیچ پستو و چاله و چوله‌ای ندارد. هر چه عمل کنیم در برابر دیدگان کینه‌توز دشمنان اسلام و نظام اسلامی‌ست. در چنین نبردی، باید رو بازی کرد. نباید خود را درگیر محرمانه و فوق‌محرمانه نمود. باید ضوابط تعیین کرد، تا محکم و روشن عمل شود. شفاف نبودن، فرصتی برای دشمن فراهم می‌آورد، تا شبهه بیافکند، کینه بیافروزد، تهمت بزند و دوستان را دسته‌دسته متفرّق سازد.

ترسیم چراغ‌های راهنما

سندها که تولید شوند، خطوط قرمز توصیف شده‌اند. چراغ‌های راهنمایی در این دشت وسیع نظام اجتماعی نصب می‌شوند که رفت و آمد روحانیت را قاعده‌مند می‌نمایند.

تا پیش از این‌که خطوط روشن نبود، یقه هر خاطی را که می‌گرفتی عذر داشت. می‌توانست ادعای بی‌خبری نماید و کار قضاوت را دشوار نموده، چالش بیانگیزد. وقتی ضوابط تعیین شوند، حجت تمام می‌شود و مردم نیز هنگام هر مجازاتی، حق بودن حکم نهایی را تشخیص خواهند داد و خام وعده‌های دشمنانه منافقان نخواهند شد.

دشمن حق و عدالت در تاریکی می‌تواند عمل کند و اگر فضا روشن شود، اوست که لو می‌رود. تا دیروز که همه‌جا تاریک بود و نه ما دشمن را می‌دیدیم و نه او ما را، داده‌هایمان را محرمانه و غیرمحرمانه می‌کردیم و امنیت نظام اجتماعی خود را ساده‌تر حفظ می‌نمودیم. امروز که به تعبیر شهید اهل قلم، آوینی عزیز، «انفجار اطلاعات» رخ داده، ماهواره و اینترنت آمده و گوشی‌های تلفن همراه همه قلمروهای شخصی را درنور دیده، اطراف ما کاملاً روشن شده است. دیگر محرمانه و غیرمحرمانه کردن دشمن را زمین گیر نمی‌کند.

حریم محرمانگی شکسته. امروز بازی چراغ‌هاست. ما نیز باید مشعل‌هایمان را به سوی دشمن بچرخانیم و او را روشن کنیم، تا همه ببینند و رسوا شود. اتلاف هزینه و وقت و انرژی و بودجه و زمان است که خود را پنهان سازیم. وقتی منطقی برتر داریم، اگر در کفه حق این ترازو نشسته‌ایم، نباید از دیده شدن بهراسیم، این جاست که باید نهایت انرژی خود را مصروف «شفاف‌سازی» نماییم، عرصه‌ای که دشمن بیش از ما در آن آسیب خواهد دید. این‌که حالا یک یا دو نفر غاصب و خائن در لباس روحانی پیدا شود، این آسیب نیست اگر خود ما شفاف عمل کنیم. آسیب وقتی‌ست

که پرده بپوشیم و به دشمن فرصت خیمه‌شب بازی دهیم، وقتی پرژکتورهايش را به سوی ما دوخته است و با سایه‌ها بازی می‌کند!

رحمت و شدت

وقتی سندها نگارش یافت، تصویب شد و مورد توافق بزرگان درون حوزه قرار گرفت، مرز «رحمت» و «شدت» ترسیم شده است.

آن‌که مرزها را درنور دیده و به روحانیت آسیب زده، اگر نمی‌دانسته شایسته رأفت و رحمت اسلامی‌ست. بایسته است تا آگاه شود. بروشور مشخصی در اختیارش قرار گیرد. آئین‌نامه‌ها را ببیند و بخواند. مجبور شود اصلاً امتحان بدهد و در آزمونی شرکت کند که ثابت می‌نماید از فحوای قوانین مطلع شده است. مانند راننده‌ای که بدون مطالعه آئین‌نامه راهنمایی و رانندگی اجازه نشستن پشت فرمان خودرو را ندارد. روحانی چگونه بر مسند هدایتگری تکیه زند وقتی ضوابط این هدایت را آزمون نداده و مطلع نیست. هدایت صرف یک دانش نیست که پشت نیمکت‌های مدرسه قابل یادگیری باشد.

آن‌که ضوابط را می‌دانسته و چراغ‌های قرمز را دیده و باز هم گذر کرده است، تا شعاع معینی باز مستوجب عفو و رحمت. بار اول و دوم را می‌توان مشمول بخشش دانست.

اما اگر می‌دانسته و تکرار کرده، یا از شعاع معین تجاوز نموده، آسیب جدی به روحانیت وارد ساخته، نهادهای تعریف شده حتماً با شدت و حدت برخورد خواهند کرد. هیچ رأفتی جا ندارد و هیچ شفاعتی پذیرفتنی نباید باشد. این‌جا اگر حکم صریح و قاطع قاضی شکسته شود، ضوابط را تضعیف خواهد کرد و خطاکاران را جری خواهد نمود. البته که این شدت حتماً همراه با توصیف کامل و روشن‌گری و در فضایی شفاف و بر اساس قانونی مشخص روی می‌دهد و جایی برای بازی دشمنان باز نخواهد گذاشت.

دقت کنیم رحمتی که در دو بخش سابقه صورت پذیرفته، شدت بخش اخیر را تلطیف نموده، قابل تحمل می‌سازد. اگر هر دو با هم تنظیم نباشند و همراه نگردند، پیش‌فرض‌هایی که از استقامت و استقلال روحانیت در نظر است، چنین شدتی را برتافتنی نخواهد نمود.

ستاد هماهنگی

نهادهای بسیاری به صورت بیرونی و درونی ناظر بر عملکرد روحانیت هستند. بعضی قوه قاهره نیز دارند و پاره‌ای صرفاً گزارشگر ماقوع می‌باشند. دادگاه ویژه، وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، معاونت آمار و بررسی، عقیدتی سیاسی، نهادهای نمایندگی ولی فقیه، بازرسی کل کشور و... .

دانستیم که نظارت بیرونی بر تنظیم مناسبات و تعاملات روحانیت کارساز نیست و نهادی که خود مسئول تعیین حجیت ضابطه است را نمی‌توان و نباید با قوه قهریه فرادستی کنترل نمود. همه نهادهای بیرونی صرفاً باید اطلاع‌رسان خطر نفوذ اجانب و بیگانگان در حصن روحانیت باشند و نهادهای حراستی درونی بایستی به جرم مجرمین رسیدگی نموده و متلبسان غاصب این لباس مقدس را عقاب نمایند.

بدین منظور تشکیل یک ستاد هماهنگی ضرورت دارد. نهادی که «مرکزیت اطلاعات» را بر عهده گیرد و با داشتن بازوی گسترده روابط عمومی، مانند آنچه ۱۱۰ یا ۱۳۷ عمل می‌نماید، داده‌ها را جمع‌بندی نموده، بر اساس سندهای ذکر شده، در اختیار نهادهای ذی‌ربط قرار دهد. از موازی‌کاری‌ها جلوگیری نموده، پرونده‌ها را یکپارچه کند. نهادی کاملاً رسمی و شناخته‌شده، معتبر و قابل اعتماد.

مهم‌ترین حُسن چراغ راهنمایی این است که وقتی پلیس فرد عبور کرده از قرمز آن را جریمه می‌نماید، همگان از مأمور قانون حمایت می‌نمایند و می‌دانند که آن فرد حق‌الناس به گردن داشته و به حقوق سایرین تجاوز کرده است.

وظیفه کنونی ما نصب این چراغ‌های راهنمایی در سر تمام تقاطع‌های کارکردی حوزه و روحانیت است. روحانیتی که تا پیش از انقلاب اسلامی ترافیک مناسباتش آن‌قدر نبوده که نیاز به علامات راهنمایی داشته باشد و هر فردی به صورت خودجوش رفتارش را با دیگران تراز و هماهنگ می‌نموده، تا حقی را ضایع نسازد. اما امروزه شاهراه‌هایی زاده شده‌اند که اگر چه نعمت می‌باشند و برکتی که تعاملات سازنده را افزایش می‌دهند، اما خطرات فراوانی را متوجه تقاطع‌های مسیر نموده‌اند. سرعت ارتباط روحانیت با نهادهای اجتماعی افزایش یافته است و مناسبات آن رنگ و بویی تازه یافته، هم حجم فعالیت‌ها و هم کیفیت، دیگر نمی‌توان به ضوابط سنتی اکتفا نمود. ما باید چراغ‌های راهنما را نصب نماییم، تا بتوانیم از آسیب‌ها بکاهیم.

در آغاز بایستی ارتباط وسیعی با بدنه روحانیت برقرار شود، اساتید و فضلا، تا پیش‌نویس سندهای پیش‌گفته فراهم گردد. به صورتی معقول گفتگوهای با بزرگان حوزه و دفاتر مراجع عظام لازم است، آن‌قدر شفاف و روشن که اهداف صلح‌جویانه طرح را و «درونی» بودن نظام نظارتی آن را اثبات نماید. بزرگان حوزه اگر بدانند خود متولی اعمال قدرت بر ضوابط هستند و بالاترین سهم در نظارت بر دوش آن‌هاست، از تصویب آن سر باز نخواهند زد.

پس از اصلاح سندها متناسب با نظر اعظم، ستادی تشکیل خواهد شد که هماهنگی نهادها را برعهده خواهد داشت. طبیعتاً این ستاد نیز محتاج آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای تک‌تک فرآیندهای کاری‌اش خواهد بود.

باید این مطلب ابتدائاً برای خود ما کاملاً روشن باشد که نه می‌خواهیم و نه می‌توانیم نظارتی بیرونی را بر نهادی حاکم سازیم که اساساً تعریف نظارت و ضوابط شرعی نظارت و بود و نبود قوانین و قواعد حجیت هر کنترل و نظارتی را در دست دارد. تنها می‌خواهیم هرم قدرت علمی و شرعی را که در نظام روحانیت نهفته است بازتعریف و منضبط کنیم. اگر حجیت دست فقهاست، دست‌شان را باز کنیم تا ميسوط‌اليد بتوانند درباره هر نفوذی قضاوت نمایند و تصمیم روشن و واضحی بگیرند. می‌خواهیم چراغ‌ها را روشن کنیم، تا آن‌ها دشمن را بهتر ببینند و سلاح‌ها را به دست‌شان دهیم، تا دست دشمن را از تسلط غاصبانه و مخفیانه بر دین مردم قطع نمایند.

اگر ابتدا این سنگ‌ها را با خود واکنیم و جایگاه حقیقی خود را بشناسیم، اگر حُسن نیت خود را با طراحی صحیح و دقیق سندها نشان دهیم، کدام بزرگی‌ست که بسط ید خود را در اعمال حق و تکلیفی که صاحب عصر و زمان (عج) بر دوش وی گذاشته است نپذیرد و از نظارت بر کیان روحانیت استنکاف نماید؟! بزرگانی که باتقواترین‌های شیعه هستند و در هر عصر و زمانی اسلام‌شناس‌تر از آنان سراغ نداریم.

والسلام علی من اتبع الهدی

